



نتایج سیستم آموزشی غرب در ایران دکتر علی رضائیان

حضرت هیأت علمی ریاست انجمن علوم داری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران

می ماند و ظاهراً" به تجدید سازمان ارتش ایران کمک می کند. از آن پس شاه عباس وی را به دوام موریت یکی در سال ۹۸۷ هجری شمسی و دیگری در سال ۱۲۹۴ که "هر دو سفر در ارتباط با نبرد با ترکان و مسائل تجاری بوده است" به اروپا می فرستد.^۱

در خرداد ماه سال ۱۰۰۷ هجری شمسی رابرت در قزوین فوت می شود، ولی تماس های ایرانیان با اروپا و در نتیجه، نفوذ غربی ها در ایران در دوره قاجار، به ویژه در زمان صدارت امیرکبیر و بعدها با جنبش مشروطیت شتاب زیادی می یابد^{۱۱}. تفکر غربی، گذشته از ارتباط های سیاسی دولت مردان توسط تعداد روزافزون مسافران، بازرگانان و سوداگران به ایران عمدتاً "به طرق زیر سرایت کرده است.

غرب زدگی عارضی مشترک تمام ملت های جهان سوم است^۱. ایران نیز از این امر مستثنی نیست، آغاز نفوذ غربی ها در ایران به قرون هشتم و نهم هجری^۲ شمسی برمی گردد. زمانی که شاهان صفوی مقدم اروپائیان به دربار خود را گرامی داشتند. برادران شرلی انگلیسی^۳ از جمله پیشگامان توسعه روابط سیاسی و نظامی میان ایران و غرب بودند.^۴

سر راجر استیونز^۵ بیان می کند سرآنتونی شرلی^۶ همراه یک گروه بیست و پنج نفره از جمله برادر نوزده ساله اش رابرت^۷ در آذر ماه سال ۹۷۷ هجری شمسی^۸ وارد قزوین (پایتخت سابق ایران) می شود. پس از برقراری رابطه ای گرم با شاه عباس در اردیبهشت ماه سال ۹۷۸ هجری شمسی^۹ به عنوان پیک شاه به دربار شاهان مسیحی به اروپا فرستاده می شود. رابرت شرلی برای مدت تقریباً "ده سال در ایران

* این مقاله خلاصه ای از تحقیقی پیمایشی است که در سالهای ۱۳۶۱-۱۳۶۰ درباره دانشجویان ایرانی در ایالات متحده امریکا انجام شده است. جامعه آماری شامل دانشجویان ایرانی در شهر لوس آنجلس از ایالت کالیفرنیا و شهر پرتلند از ایالت آرکان می گردد.

- ۱- جمیله، ۱۳۵۵/۱۹۷۶.
- ۲- شرلی Sherley
- ۳- استیونز Sir Roger Steven ۱۳۵۲/۱۹۷۴.
- ۴- رابرت Robert
- ۵- ماه مه ۱۵۹۹.
- ۶- لمبتون Lambton ۱۳۳۶/۱۹۵۷.
- ۷- قرون شانزدهم و هفدهم میلادی
- ۸- یانگک young، ۱۳۲۷/۱۹۴۸.
- ۹- سرآنتونی شرلی Sir Anthony Sherly
- ۱۰- دسامبر ۱۵۹۸
- ۱۱- Stevens، ۴۲۳: ۱۳۵۲/۱۹۷۴.

۱- مجاری آموزشی رسمی

الف - تاء سیس مدارس میسیونری فرانسوی ،

انگلیسی و امریکائی

ب - تاء سیس مدرسه‌ی دارالفنون (آکادمی علوم و هنر) که دروازه‌ی اصلی علوم ، فنون و تفکر غربی تا قرن بیستم می‌باشد .

۲- مطبوعات مانند روزنامه‌ها ، مجلات و به ویژه جزوه‌ها و کتاب‌ها ، گرچه اکثر مردم بی سواد بودند ، ولی اغلب بدور هم جمع می‌شدند و به بازخوانی آنها گوش فرا می‌دادند .

۳- پذیرش فنون تجاری غرب ، مانند سیستم بانکی و ارتباطات و افزایش سریع صادرات و واردات .

۴- دانشجویانی که به خارج از کشور اعزام می‌شدند .

۵ - بازرگانان به ویژه آنهایی که در خارج از کشور مستقر شده بودند^۱ .

رابطه‌ی میان "غربی شدن" و پایگاه طبقاتی دانشجویان تعیین گردد .

فرضیه:

فرزندان طبقات مرفه با کسب دانش جدید ، غرب گرا شده ، در حالی که دسترسی فرزندان طبقات متوسط و زیر متوسط به دانش جدید مشوق آنان در حفظ ارزش‌های فرهنگی و مذهبی بوده است .

روش تحقیق:

در پی گیری هدف فوق میزان "غربی شدن" طبقات مختلف دانشجویان ایرانی در ایالات متحده ارزیابی و مقایسه گردید و دو گروه پنجاه نفری که به ترتیب گرایش عقیدتی غربی و سنتی جدید داشتند مورد تحقیق قرار گرفتند .

اهمیت موضوع:

مطالعه و بررسی مزبور از آن جهت اهمیت دارد که "غربی شدن" پدیده‌ی مشترک جوامع غیر غربی می‌باشد . طبقات حاکم در این کشورها با اجرای برنامه‌ی به اصطلاح "مدرن کردن" به هزینه طبقات زحمتکش و تاراج منابع طبیعی در حفظ و استحکام موقعیت‌های خود می‌کوشند .

نتیجه:

"غربی شدن" در ایران مانند همه‌ی کشورهای غیر غربی ، پدیده‌ی شهری و دامنگیر طبقه‌ی مرفه می‌باشد ، کارگزاران غربی شدن یا خود غربی‌ها (استعمارگران) بودند یا دولت مردان بومی (استثمارگران) و هدفشان کنترل توده‌ها بوده است . با ورود نظام آموزشی غرب ، جامعه به دو گروه عمده‌ی سنت‌گرا

سیطره‌ی غرب در ایران نه تنها تکنولوژیکی ، بلکه عقیدتی نیز بوده است . در ابتدا ، هیچ تمایزی میان جنبه‌های مادی و غیر مادی غرب زدگی قائل نمی‌شدند ، حتی در زمان حکومت رضاشاه که (به ظاهر) تاء کید بر پذیرش تکنولوژی و سایر موفقیت‌های مادی غرب بود ، و در این بین ملی‌گرایان نیز که محصول غرب بود پذیرفته شد^۲ ، ملی‌گرایان که در دوره‌ی جنبش مشروطیت تشویق می‌شد ، با ملی‌گرایان رضاشاه تفاوت می‌کرد ، زیرا اولی رنگ مذهبی داشت در حالی که دومی با اسلام ناسازگار بود^۳ .

هدف:

هدف این مطالعه ، بررسی نتایج بکارگیری نظام آموزشی غرب و تقلید کورکورانه از راه و رسم غربی در ایران می‌باشد . همچنین در این مطالعه و بررسی سعی شده است

۱- کاظمی ۱۳۵۲/۱۹۷۳ ، بانگ young ، ۱۳۲۷/۱۹۴۸ ، لمبتون Lambton ۱۳۳۶/۱۹۵۷ .

۲- بنائی Banani ، ۱۳۳۶/۱۹۶۷ .

۳- لمبتون Lambton ، ۱۳۳۶/۱۹۵۷ .

و غرب گرا تقسیم شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که هرچه پایگاه طبقاتی دانشجویان بالاتر است، گرایشات آنان نسبت به غرب بیشتر می‌باشد. طبقه‌ی حاکم فرا گرفتن دانش جدید را به منظور سست کردن بنیان‌های عقیدتی نسل جوان و تغییر آن، تشویق و ترغیب می‌کرد. ولی تجزیه و تحلیل بینش‌های جدید حاکی از آنست که لیبرالیسم و تکنوکراسی هیچ پایهای در میان توده‌ها و مارکسیسم جایی در ساخت روانی آنان ندارد.

دانشمندان علم الاجتماع نظیر اسمل سرآ انتظار داشتند سیستم‌های ارزشی جدید مانند ناسیونالیسم پایه‌های مذهب را تضعیف کنند. در حالی که این بررسی نشان می‌دهد، دستیابی فرزندان طبقات متوسط و زیر متوسط به آموزش جدید موجب تشویق آنان به حفظ ارزش‌های فرهنگی و مذهبی گردیده است. این نتیجه با مطالعاتی که ریچارد ام شوارتز انجام داده مطابقت دارد. وی می‌نویسد با کمال تعجب بچه‌هایی که به مدارس میسیونری می‌رفتند بر علیه آنان برمی‌خاستند و آنان را عامل امپریالیسم غرب می‌دانستند. شوارتز می‌افزاید این پدیده منحصر به ارومیه یا دیگر نقاط ایران نبوده بلکه در بیشتر کشورهایی که میسیونرها کار می‌کردند رخ داده است.

این مطالعه و بررسی مؤید تئوری "مدرن شدن" دکتر شریعتی بوده که لازمی تکامل برنامه "غربی شدن" را بیگانگی مردم از فرهنگشان می‌داند. نتایج این بررسی بیانگر این واقعیت است که هرچه دانشجویان، با فرهنگ خود بیگانه تر بودماند، سطح "غربی شدن" آنان بالاتر بودمانست. در این رساله تقلید کورکورانه ی طبقه حاکم از غرب، عامل اضمحلال فرهنگی، هرج و مرج اخلاقی و اجتماعی، جس و رشکستگی، ایجاد عقده‌ی حقارت و از خود بیگانگی توده‌ی مردم دانسته شده است و از طرف دیگر کل مسأله‌ی آموزش جدید مورد سؤال قرار گرفته و دو سؤال زیر مطرح گردیده است:

۱- بهترین وجه مقابله با عارضه‌ی "غربی شدن" چیست؟

۲- حاصل سرمایه گذاری منابع کشورهای جهان سوم؛ ثروت، زمان و کار برای پذیرش دانش جدید چیست؟ به نظر می‌رسد پاسخ سؤال اول، انجام تبادل عادی فرهنگی با تحلیلی روشن، مطمئن منتقدانه و مستقل باشد، به طوری که هیچکس احساس حقارت به سبب سیطره‌ی یک فرهنگ اجنبی، در خود احساس نکند. بدین ترتیب مردم می‌توانند ارتباط با گذشته‌ی خویش را حفظ کرده و به هویت اصیل مذهبی، فرهنگی، خود افتخار ورزند.

برای یافتن جوابی موثق به سؤال دوم کافی است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود.

۲/۱- چه موجودیتی تحت عنوان دانش جدید پذیرفته شد؟
در این باره می‌توان گفت که تقریباً "عین نسخه‌های اصلی مطالبی که در غرب تدریس می‌شد یا ترجمه‌ی آنها به عنوان کتاب درسی به کار می‌رفت. جاستین پرکینز^۳ می‌نویسد در سال ۱۲۱۹^۴ در آذربایجان از انجیل به عنوان کتاب درسی برای آموزش جغرافی و انگلیسی به دانش آموزان مسلمان استفاده می‌شد. محتوای این کتاب‌ها و ساخت روانی دانش آموزان در این تقلید کورکورانه، یا انتخاب عمدی در نه گرفته نشده بود. تقلید کورکورانه توسط آنها بی‌انجام می‌گرفت که فکر می‌کردند هرچه از غرب رسد نیکوست و انتخاب عمدی از جانب میسیونرهایی بود که می‌خواستند زیر پوشش تدریس زبان خارجی یا جغرافی تبلیغ مسیحیت کنند.

۲/۲- دانش جدید چگونه به استخدام درآمد؟
در یک کلمه می‌توان گفت: اجباری. زیرا دانش جدید، در مراحل اولیه اساساً "بازور و اجبار به استخدام درآمد و گسترش داده شد. از مقامات رده‌ی بالا خواسته شده بود تا فرزندان خود را به مدارس جدید بفرستند.

۱- ۱۹۶۸/۱۲۲۲ Smelser

۲- ۱۹۷۳/۱۳۵۲ Richard M. Schwartz

۳- جاستین پرکینز Justin Perkins ۱۸۴۳/۱۲۲۲

۴- سال ۱۸۴۰ میلادی.

بعد نوبت به مستخدمین دولت رسیده بود و بقیه.

ترک آنها؟

این بررسی همچنین نتایج جریان غربی شدن در ایران را مورد مذاقه قرار می‌دهد، تشخیص اینکه غربی شدن یا حتی مدرن شدن بخودی خود نباید مساوی پیشرفت قرار گیرد، حائز اهمیت است.^۵ عامل غالب در برانگیختن ناآرامی‌ها در ایران در سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۴۶ فرضیات روشنفکران دانسته شده، که رشد و پیشرفت را شامل نظام آموزشی غربی و غیر دینی و سبک زندگی روزافزون غربی با کمترین نقشی برای علما می‌دانستند.^۶

دانشمندان ایرانی غرب زده‌ای بودند که مردم را قانع می‌کردند تا تعصباتشان را کنار گذاشته و مذهبشان را نادیده گرفته، از فرهنگ بومی خلاصی جسته، از نوک پنجه پاتافرق سرغربی شوند.^۷

گذشته از فرضیات مذکور دانشمندان، عوامل دیگری نیز به ناآرامی‌ها دامن زده، که سرانجام به انقلاب اسلامی ۱۳۵۸-۱۳۵۶ در ایران ختم گردید، این عوامل عبارتند از:

- ۱- نفوذ اقتصادی غرب که کمک به افزایش ثروت توانگران و فقیرتر شدن بینوایان کرد.
- ۲- وضعیت از خود بیگانگی بیشتر روستائیان که از مناطق روستائی به شهرها مهاجرت کرده بودند.
- ۳- دخالت مستقیم و غیر مستقیم قدرت‌های خارجی.
- ۴- دولت‌های دست‌نشانده‌ی قدرت‌های غربی.

۲/۳- حامیان دانش جدید چه کسانی بودند؟
سردم‌داران دانش جدید یا غربی‌ها (استعمارگران) بودند یا طبقه‌ی حاکم (استعمارگران) که می‌خواستند عدای مقلد بی فکر برای اجرای طرح‌های امپریالیستی خود تربیت کنند. بهرحال در نتیجه‌ی یک برنامه آموزشی و روانی اجباری نسل جدیدی پدیدارگشت که هیچگونه ارتباط فرهنگی، سنتی یا تخصصی ندارند، بگفته‌ی مرحوم جلال آل احمد^۱ آدم‌های بی ایمان خالی از شور و شوق، آلت بی اراده حکومت‌های وقت و همه سازشکار "بجز آنهایی که از طبقات رحمتکش و متوسط قدیم بودند.

دانشمندان غربی و غرب زده (از قبیل ریچارد برون^۲، لمبتون^۳، عیسی صدیق، و تقی زاده) همگی متفقند که دانشجویان سایر ملل که به مدارس سبک غربی می‌روند و در معرض راه و رسم جدید قرار می‌گیرند متمایل به تغییر شکل و ترک فرهنگ و مذهب خود می‌شوند. در ایران این مطلب به ویژه در مورد دانشجویانی از طبقه‌ی مرفه و بالای متوسط پوی درست بنظر می‌آید و برخلاف انتظار در مورد دانشجویان متوسط طبقات پائین یا متوسط قدیم ممکن است درست نباشد. دانشمندان غربی و غرب زده، انتظار پیشرفتی به سوی لامذهبی و متجددشدنی را می‌کشیدند که در آن اصول اسلامی بر پایه تدریج تغییر شکل یابد. به خصوص در زمینه‌هایی از قبیل حقوق، آموزش و پرورش، و سیاست.^۴

در این بررسی با استفاده از ایران به عنوان زمینه‌ی تحقیق، سعی شده است به سؤال زیر پاسخ داده شود. آیا دست‌یابی روزافزون فرزندان طبقات پائین و متوسط قدیم به آموزش عالی غربی، برخلاف انتظار دانشمندان، مشوق آنان به حفظ ارزش‌های فرهنگی، سنتی و مذهبی بوده تا

۲- ریچارد د. برون Richard D. Brawn
 ۴- کدی Keddiar ۱۹۸۰/۱۳۵۹
 ۶- بانگ Young ۱۹۲۷/۱۳۲۶ و شریعتی ۱۹۶۸/۱۳۴۷

۱- آل احمد ۱۳۴۱
 ۳- آن.ک. اس. لمبتون
 ۵- بلک و دیگران Black & Others ۱۹۷۵/۱۳۵۴
 ۷- شریعتی ۱۹۶۶/۱۳۲۵ - پارشاطر ۱۳۵۸/۱۹۷۹

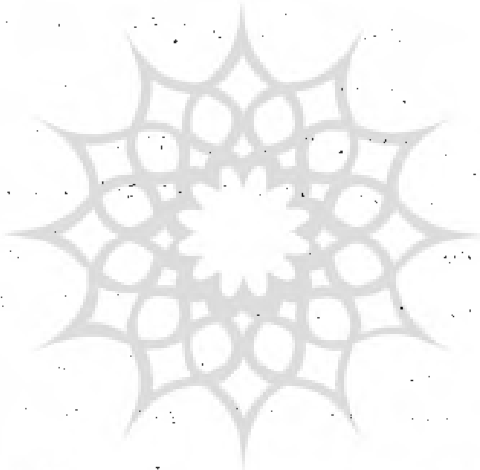
, Maryam. 1970. *Islam and Western Society*. Pakistan: Ripon Printing
Press Ltd.

- 2- Young, T. Cuyler. 1948. "The Problem of Westernization In Modern Iran." *The Middle East Journal*, 2:47 - 59.
 - 3- Stevens, Roger, 1974. "European to the Safavid Court." *Iranian Studies*, 7(3 - 4): 423. Summer - Autumn.
 - 4- Lambton, Ann K.S. 1957. "The Impact of the West on Persia" *International Affairs*, 33: 12- 25. January.
 - 5- Kazemi, Farhad. 1973. "Social Mobilization and Domestic Violence IN Iran: 1946 1968" Doctoral dissertation, University of Michigan.
 - 6- Banani, A. 1961. *The Modernization of Iran , 1921 - 1941*. Stanford: Stanford University Press.
 - 7- Smolser, N.J. 1968. *Essays in sociological explanation*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall.
 - 8- Schwartz, Richard M. 1973. "The Structure of Christian- Muslim Relations in Contemporary Iran." Doctoral dissertation, Washington University.
 - 9- Shari'ti, 1348/1969. *Civilization and Modernization*, trans. Iranian Students' Islamic Association at Aligarh, India. Houston: Free Islamic Literatures' Inc.
 - 10- Perkins, Justin. 1843. *A Residence of Eight years In Persia Among the Nestorian Christians*. Andover: Oxford University Press.
 - 11- Al-e Ahmad, Jalal. 1341/1962. *Gharbzadegi (Xenomania)*. Tehran: N.P.
 - 12- Brown, Pichard D. 1976. *Modernization: The Transformation of American Life 1600 - 1805*. New York: Hill & Wang.
 - 13- Sadiq, Issa. 1931. *Modern Persia and Her Educational System*. New York: Teachers College, Columbia University.
 - 14- Keddie, Nikki R. 1955. "The Impact of West On Iranian Social History." Doctoral dissertation, University of California at Berkely,.
 - 15- -----, 1980. "Iran: Change In Islam; Islam and Chang." *Middle East Studies*, 2: 527 - 542.
- C.E. et al. 1975. *The Modernization of Japan and Russia*. New York: Press.

17- Shari'ti, Ali. 1347/1968. *On the Sociology of Islam*, trans. Han. Berkeley: Mizan Press.

بعد نوب

18- Yar Shater, Ehsan. 1976. " Cultural Development In Iran." In J.W.Jac. *Iran: Past. Present and Future* .New york: Aspen Institute for Humamisti Studies.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰